

The Process of Transformation and Development of Modern Schools in Kurdistan from 1304 to 1320

Motaleb Motalebi*

Abstract

The establishment, establishment and development of new and quantitative and qualitative schools in the province of Kurdistan began with a delay of several decades compared to most of the states and provinces of Iran. Prior to the Pahlavi dynasty, schools were limited to two public schools and two national schools in the state capital. Neither the Ministry of Education nor the individuals and officials of Kurdistan made any serious efforts to establish new schools. However, in the first Pahlavi period, these schools developed a little and the new schools covered not only cities and towns but also some important rural areas. This study intends to explain the situation of education and schools in Kurdistan before the Pahlavi dynasty, the evolution and development of schools from 1304 to 1320 by descriptive-analytical method and using unpublished archival documents and the press.

The results of the research show that before the establishment of the Pahlavi dynasty, intellectual and financial bases and the establishment of new schools in the cities of Kurdistan were not available and the few measures taken in this field were limited to Sanandaj, the capital of the state. In the new era of Kurdistan, it found a special place in the cultural and political programs of the government. The new situation led to the slight development of schools in this area. The acceptance or resistance to new schools varied in urban and rural areas, but there was no general opposition to the development of new schools.

Keywords: Traditional Education, Modern Schools, Reza Shah, Kurdistan.

* Assistant Professor of History, National Library & Archives of Iran, Tehran, Iran,
motalebmotalebi@yahoo.com

Date received: 2021/11/16, Date of acceptance: 2021/1/15



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان از سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰

مطلب مطلبی*

چکیده

تأسیس و دایرشدن و توسعه کمی و کیفی مدارس نوین در ایالت کردستان با تأخیری چنددهه‌ای از بیش‌تر ایالات و ولایات ایران آغاز شد. تا قبل از سلطنت پهلوی مدارس این حدود به دو باب مدرسه دولتی و دو باب مدرسه ملی در مرکز ایالت منحصر بود. نه از جانب وزارت معارف و نه از سوی اشخاص و صاحب‌منصبان کردستان تلاش جدی برای دایرکردن مدارس نوین انجام نشد، اما در دوره پهلوی اول مدارس این حدود توسعه کمی فراوانی یافتند و مدارس نوین نه‌تنها در شهرها و قصبات بلکه برخی از نواحی مهم روستایی را هم پوشش داد. این پژوهش بر آن است، ضمن تبیین وضعیت معارف و مدارس کردستان قبل از سلطنت پهلوی، تحول و توسعه مدارس این حدود را از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد منتشر نشده آرشیوی و مطبوعات بررسی کند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد قبل از تأسیس سلطنت پهلوی بسترهای فکری، مالی، و... تأسیس مدارس نوین در قصبات کردستان فراهم نبود و محدود اقدامات صورت گرفته در این زمینه منحصر به سندج، مرکز ایالت، بود. در دوره جدید، کردستان جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دولت یافت. موقعیت جدید سبب توسعه کمی مدارس این حدود شد. استقبال از مدارس نوین یا مقاومت در برابر آن در نواحی شهری و قصبات و نواحی روستایی متفاوت بود، اما در کل مخالفت سازمان‌یافته‌ای با توسعه مدارس نوین نشد.

کلیدواژه‌ها: کردستان، آموزش سنتی، مدارس نوین، رضاشاه.

* استادیار تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران، motalebmotalebi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

اقتباس آموزش و پرورش نوین از اروپا یکی از دگرگونی‌های مهم ایران در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری بود. از این دوره، شماری از حاکمان و دولت‌مردان برای ایجاد و توسعه مدارس نوین در شهرهای بزرگ آن روز دست به اقداماتی زدند. این روی‌داد مهم از نظر صوری با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸/۱۸۵۲ آغاز شد، به تدریج در دیگر شهرهای ایران هم مدارس نوین دایر شد. تأسیس مدارس نوین در کردستان^۱ با تأخیری تقریباً نیم‌سده‌ای آغاز شد. نخستین مدرسه رسمی کردستان مربوط به کلدانیان سنندج بود که در سال ۱۲۷۵/۱۸۹۶ دایر شد. دومین مدرسه این حوزه مدرسه آلیانس بود که در سال ۱۲۸۰/۱۹۰۰ تأسیس شد. این دو به‌هم‌راه مدرسه اتحاد و احمدیه تنها مدارس کردستان قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹/۲۲ فوریه ۱۹۲۱ بودند. پس از کودتا و مشخصاً از سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ رشد کمی مدارس کردستان قابل توجه و محسوس است. چگونگی روند توسعه مدارس این حوزه و علل آن به‌عنوان ابهام این پژوهش قلمداد شده و سعی بر آن است که با روشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی بدان پاسخ داده شود.

کتاب پیشینه آموزش و پرورش در کردستان (از سال ۱۲۷۳ تا ۱۳۲۰)، تألیف حیرت سجادی، نخستین اثری است که به‌صورت مستقل به مدارس کردستان پرداخته است. این اثر بیش‌تر توصیف پیش‌گامان و مشخصات مدارس کردستان است. مقاله «واکنش اهالی کردستان به گسترش آموزش نوین در دوره رضاشاه»، پژوهش حسین رسولی و دیگران، درباره تعمیم‌هایی کلی‌نگر به عدم استقبال از مدارس است. مقاله «وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ش»، پژوهش محسن بهشتی‌سرشت و فوزیه جوان‌مردی، توصیفی از وضعیت آموزش و پرورش کردستان است و مطالب مربوط به مدارس نوین بسیار خلاصه و تیتروار ذکر شده است.

تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت‌گرفته و به‌ویژه پژوهش اخیر، که نزدیکی موضوعی، مکانی، و زمانی بیش‌تری به مقاله حاضر دارد، این است که مقاله حاضر به تفصیل به موضوع‌هایی از جمله روند تحول، چگونگی اجرا، چالش‌ها، و جایگاه توسعه مدارس کردستان در سیاست‌های دولت پرداخته است که در پژوهش‌های ذکرشده مغفول مانده یا به اشاره‌هایی گذرا بسنده شده است.

۲. مکتب‌خانه‌ها و آموزش سنتی

مهم‌ترین و مؤثرترین مراکز آموزش در کردستان تا اواخر قرن سیزدهم هجری مکتب‌خانه‌ها بودند. این مراکز در دوره موردبررسی هم با فرازوفرودی به حیات خویش ادامه دادند. هرچند نمی‌توان همه آن‌ها را از لحاظ کمی و کیفی در یک سطح جای داد و تفاوت زیادی بین مکاتب شهری و رسمی با مکاتب قصابات وجود داشت، اما همه آن‌ها در نداشتن سازمان، برنامه، و روشی خاص مشترک بودند و هریک به‌گونه مستقل و با پشتیبانی علما و روحانیون اداره می‌شدند. معلمان مکتب از طلاب علوم دینی بودند و از کتاب‌ها و شیوه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه بهره می‌گرفتند. این شیوه آموزش سال‌هایتمادی بدون هیچ دگرگونی به کار خود ادامه داد و به دگرگونی‌های بین‌المللی و شیوه‌های آموزشی در جهان کم‌ترین توجهی نیز از خود نشان نداد. در اواخر سده سیزدهم هجری و با تأسیس مدارس نوین ابتدا در مراکز ولایتی و سپس در شهرها و قصابات نظام آموزش سنتی با چالشی جدی مواجه شد و نقش آن به تدریج در حال کم‌رنگ شدن بود. وجود و رونق مکاتب قدیم به‌میزان زیادی به مدارس نوین بستگی داشت. هرچه تعداد مدارس نوین بیش‌تر می‌شد استقبال از مکاتب قدیم کم‌تر بود و بالعکس در نواحی که مدارس نوین دایر نبود یا مدارس موجود جواب‌گوی متقاضیان نبود، مکاتب قدیم رونق خویش را حفظ کردند. آموزش سنتی در کردستان هم‌چون بیش‌تر مناطق کشور به سه شکل مکتب‌خانه‌ای، حوزه‌های علمیه، و تدریس خصوصی در منازل بود. مکتب‌خانه‌ها بیش‌تر به آموزش احکام مذهبی، خواندن قرآن، و صرف‌ونحو عربی می‌پرداختند. مدارس دینی مخصوص طلبه‌های علوم دینی بود. شیوه تدریس خصوصی و استفاده از معلم «سرخانه» نیز جنبه عمومی نداشت.

در نبود مدارس نوین طلبه‌های این مراکز نقش زیادی در امور آموزشی و مکاتبات ایفا کردند و جز این راه دیگری هم متصور نبود. سران عشایر و مالکان، به دلیل ضرورت ارتباط با حاکمان و نظامیان، ناچار به استخدام یک نفر «میرزا» بودند. میرزا در مناطق کردنشین کسی بود که حداقل چندسالی در حجره یکی از مدرسان و عالمان دینی درس خوانده بود و سواد خواندن و نوشتن داشت. این شخص نامه‌های رئیس ایل و کدخدا را می‌نوشت و نامه‌های رسیده را برای وی می‌خواند و در سفر به نواحی شهری معمولاً هم‌راه وی بود. جدای از این کار، در همان منزل به فرزندان وی هم آموزش می‌داد (نووری: ۲۰۰۶: ۷-۲۴). این شیوه آموزش نتایج ملموسی نداشت و در بهترین حالت، دانش‌آموزان مختصر سواد خواندن و نوشتن پیدا می‌کردند. مکتب‌خانه‌ها روش یک‌سانی برای آموزش نداشتند و زیر

نظارت دولت فعالیت نمی‌کردند. کلاس‌ها در مساجد، تکایا، منازل معلمان، و... تشکیل می‌شدند و معلم‌های آن‌ها معلومات و سواد کافی نداشتند و همان معلومات را با روشی درست، که سبب ایجاد علاقه در بین طلبه‌ها شود، منتقل نمی‌کردند. با وجود این، در دهه نخست سلطنت رضاشاه رونق خویش را حفظ کرده بودند و اقبال مردم به آن‌ها زیاد بود. در سال ۱۳۰۷/۱۹۲۸، کردستان ۴۱ مکتب‌خانه فعال داشت که در مجموع ۵۵۰ طلبه مشغول تحصیل بودند (ساکما، سند ۲۹۷/۱۰۲۵۱، ۶) با وجود حفظ رونق نسبی مکتب‌خانه‌ها، در دوره رضاشاه، ناسازگاری بین دو شیوه و در واقع بین دو نظام آموزشی قدیم و جدید وجود داشت و در نهایت به دخالت دولت انجامید. در سال ۱۳۱۶/۱۹۳۷، یکی از راه‌های توسعه کمی مدارس تبدیل مکاتب قدیم به دبستان تشخیص داده شد و به همین منظور، ادارات معارف ایالات و ولایات ملزم شدند که مکتب‌داران را وادار کنند تا طبق مقررات وزارت معارف «مکاتب خود را به صورت دبستان درآورند». در مقابل، ادارات معارف هم وظیفه داشتند «برای مساعدت با صاحبان مکاتب تقاضای صدور امتیاز دبستان برای آن‌ها صادر کنند تا دبستان‌های خود را تأسیس نمایند» (روزنامه کوشش ۱۳۱۶: ۲). در نتیجه دگرگونی‌های بسیار، مقدمات خروج تدریجی نظام مکتب‌خانه‌ای در این دوره فراهم شد، اما به صورت کامل حذف نشد و در دوره‌های بعد به صورت حاشیه‌ای و کم‌رنگ به حیات خود ادامه داد.

۳. معارف و مدارس نوین کردستان تا سلطنت رضاشاه

نخستین مدرسه نوین کردستان مدرسه کلدانی بود. این مدرسه در سال ۱۲۷۵/۱۸۹۶ با تلاش کشیش ابوالواحد دایر شد (سالنامه معارف کردستان ۱۳۱۶: ۲۴). مدرسه بعدی آلیانس بود که در سال ۱۲۸۰/۱۹۰۰ مؤسسه آلیانس آن‌جا را دایر کرد. در سال ۱۲۸۶/۱۹۰۷ مدرسه معرفت با مشارکت فتح‌الملک اردلان و شخصی با نام معرفت تأسیس شد. این مدرسه فقط یک سال فعالیت داشت و پس از آن تعطیل شد. در سال بعد، مدرسه سالاری را حکمران کردستان دایر کرد که عمر آن فقط هفت ماه بود و پس از عزل حکمران مدرسه هم تعطیل شد (همان: ۲۵). پس از تعطیلی این دو مدرسه شش سال طول کشید که مدرسه دیگری در کردستان دایر شود. در سال ۱۲۹۳/۱۹۱۴ و در دوره حکمرانی سردار محیی مدرسه احمدیه تأسیس شد (همان: ۲۶). تا این تاریخ، تمامی مدارس نوین کردستان در مرکز ایالات دایر شده بودند و سایر مراکز شهری این ایالت مدرسه نوین

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان از سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰ (مطلب مطلبی) ۲۹۳

نداشتند. نخستین مدرسه سقز در سال ۱۲۹۶/۱۹۱۷ با نام «احمدیه» از سوی جمعی از تجار این شهر دایر شد، اما دوام زیادی نداشت و در سال ۱۲۹۸/۱۹۱۹ تعطیل شد (تیمورزاده ۱۳۸۰: ۱۳).

در سال ۱۲۹۷/۱۹۱۸، حاجی نصیرالاسلام مدرسه اتحاد در سنندج را تأسیس کرد (سالنامه معارف کردستان ۱۳۱۶: ۲۶). بنابراین، در آستانه کودتا و قدرت‌گیری سردار سپه، کردستان در مجموع چهار مدرسه فعال داشت که همه آن‌ها در سنندج، مرکز ایالت، فعالیت داشتند. مدرسه اتحاد و مدرسه احمدیه دولتی زیر نظر وزارت معارف و مدرسه آلیانس و مدرسه کلدانیان ملی مربوط به اقلیت‌های دینی بودند. آنچه در حوزه مدارس نوین کردستان قابل توجه است نقش و حضور کم‌رنگ مدارس ملی است. کردستان که برای چند قرن محل حکمرانی موروثی والیان اردلان بود و از این نظر انتظار می‌رفت که افراد صاحب‌نام این خطه هم‌پای سایر نواحی کشور به تأسیس مدارس ملی اقدام کنند، اقدام مؤثر و مستمری در این زمینه در آن‌جا صورت نگرفت و نقش مدارس ملی این ایالت بسیار کم‌رنگ باقی ماند. در حالی که در سایر ایالات و ولایات ایران مدارس ملی که توسط افراد شخصیت‌های همان منطقه تحت عنوان مدارس ملی دایر شدند، اگر نه نقش برتر را در توسعه مدارس ایفا کردند، حداقل هم‌پای مدارس دولتی نقش مؤثری در توسعه آموزش نوین داشتند. در چند مورد که افرادی در سنندج و سقز به تأسیس مدارس ملی اقدام کردند، عمر آن‌ها بیش از یکی‌دو سال نکشید. در واقع، تنها نمونه موفقیت‌آمیز مدارس ملی در ایلات کردستان مربوط به اقلیت‌های دینی بود. چرایی و چگونگی این امر در حوصله پژوهش حاضر نیست و خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

در سال ۱۳۰۰/۱۹۲۲، تلاش‌های موفقیت‌آمیزی برای تأسیس مدرسه در بیجار و سقز در جریان بود. به دنبال آن، در نتیجه خریداری یک حیاط از جانب حکمران کردستان، و نیز تهیه اثاثیه مدرسه توسط آقاسیدمحمد از رجال بیجار این شهر هم دارای یک باب مدرسه شد (ساکما، سند ۲۸۹۷۳/۲۹۷، ۱۱). شهاب‌الدوله، حکمران کردستان، در سال ۱۳۰۱/۱۹۲۳ در نامه‌ای به وزارت معارف و اوقاف توجه بیش‌تر این وزارت‌خانه به معارف سقز و اختصاص بودجه‌ای برای تأسیس مدارس در این شهر را خواستار شد (همان: ۱۳). به دنبال آن، در نتیجه تلاش‌های مستمر صدرالعلماء، نماینده معارف سقز، مدرسه احمدیه نیز در این شهر تأسیس شد (همان: ۱۹). با تأسیس مدارس احمدیه سقز و آلیانس بیجار تعداد مدارس کردستان در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۴ به هفت باب رسید (ساکما، سند ۲۴۴۷۹/۲۹۷، ۳۶) (جدول ۱).

جدول ۱. مدارس و دانش‌آموزان کردستان در سال ۱۳۰۲

نام مدرسه	محل	دولتی / ملی	پسرانه	دخترانه	تعداد
احمدیه	سنندج	دولتی		-	۷۰
اتحاد	سنندج	دولتی		-	۶۰
احمدیه	سقز	دولتی		-	۴۸
احمدیه	بیجار	دولتی		-	۸۰
آلیانس	سنندج	ملی		-	۱۲۰
کلدانیان	سنندج	ملی		-	۱۵
آلیانس	بیجار	ملی		-	۳۵

مجموع دانش‌آموزان کردستان در این سال ۴۲۸ نفر بود، درحالی‌که آمار دانش‌آموزان کشوری در همان موقع در حدود ۵۵ هزار نفر بود (ایوانف ۱۳۵۷: ۸۵-۸۶) که نشان از تفاوت چشم‌گیر کردستان با میانگین کشوری است و نشان می‌دهد که مدارس این منطقه شرایط نابه‌سامانی از جنبه‌های کمی و کیفی داشتند. آمار فارغ‌التحصیلان دو مدرسه دولتی احمدیه و اتحاد سنندج به‌خوبی نمایان‌گر ضعف مدارس این ایالت در دوره موردنظر است. مجموع فارغ‌التحصیلان این دو مدرسه از سال ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۲ فقط ۳۵ نفر بود که هجده نفر از مدرسه احمدیه و هفده نفر از مدرسه اتحاد بودند (ساکما، سند ۲۹۷/۲۴۴۷۹، ۲۸). گزارش‌های موجود از «تأسف‌آور» بودن وضعیت معارف کردستان حکایت دارد. بی‌اطلاعی و بی‌سوادی معلمان از عمده دلایلی است که سبب شده است معارف کردستان چنین خوانده شود (ساکما، سند ۲۴۰/۱۵۱۰۲، ۶). بخش دیگر این نابه‌سامانی به مدیریت معارف کردستان برمی‌گشت. اختلاف و رقابت بین اعتضادالاسلام، رئیس معارف، و رکن‌الاسلام، رئیس سابق معارف، هرگونه تلاش برای بهبود وضع معارف را بی‌ثمر می‌کرد. در نتیجه اختلاف و رقابت این دو، مردم شهر نیز دو دسته شدند و هریک جانب یکی از این افراد را گرفته بودند. با استناد به گزارش‌های موجود، نظر مردم به رکن‌الاسلام مثبت‌تر بود و مفتش معارف مرکز هم وی را برای تصدی معارف ایالت صالح‌تر می‌دانست (ساکما، سند ۲۹۷/۳۷۴۴۳). از آن‌جاکه هر اقدامی از جانب هریک از این دو، حال چه مثبت و چه منفی، مورد مخالفت طرف مقابل قرار می‌گرفت، تداوم این رویه مانعی جدی در توسعه مدارس کردستان ایجاد کرده بود. برای جلوگیری از این امر و سروسامان دادن به

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان از سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰ (مطلب مطلبی) ۲۹۵

وضعیت موجود، مفتش مالیه به وزارت معارف توصیه کرد «دست هر دو نفر از معارف این حدود برای همیشه کوتاه» شود و شخص ثالثی عهده‌دار این سمت شود تا بدین طریق وی «بدون رعایت توصیه‌ها و... از نقطه نظر طرز زندگانی و اخلاقی موجود» معارف کردستان را اصلاح کند (ساکما، سند ۲۹۷/۲۷۵۱۴، ۱۹). دخالت و تسلط این دو در معارف کردستان زیاد بود، تاجایی که وابستگان آنها، بدون تخصص لازم معلمی، در سمت معلم استخدام شده بودند و در نتیجه، با افرادی خارج از گروه خویش به سختی کنار می‌آمدند. برای نمونه در همین سال اعتضادالاسلام، رئیس معارف کردستان، عبدالباقی خان، معلم ریاضیات و مؤسس مدرسه اتحاد سنندج، را به دلیل اختلاف‌ها و ضدیت‌هایی که بین این دو بروز کرد از خدمت و مدیری مدرسه اتحاد اخراج کرد و برادر خویش را به جای وی به مدیری مدرسه گماشت. کار تا جایی پیش رفت که به تکفیر عبدالباقی خان از جانب علما پرداخت و عبدالباقی خان به ترک شهر و رفتن به سلیمانیه عراق مجبور شد و مدتی در آنجا ماند تا این که بنابه درخواست شریف‌الدوله، حکمران کردستان، مجدداً به معارف کردستان مراجعت کرد. وی قبل از تأسیس مدرسه اتحاد در بغداد و بصره هم چندین مدرسه تأسیس کرده بود (همان: ۳).

۴. روند توسعه مدارس

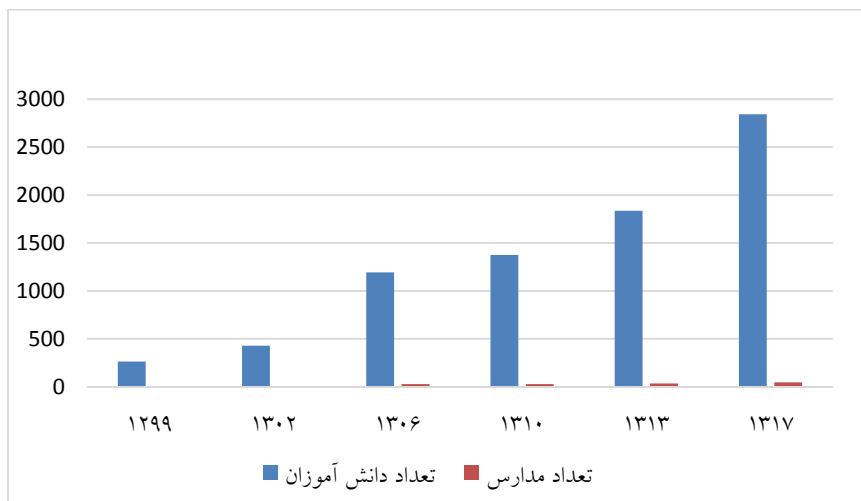
اولین برنامه مدون و مکتوب توسعه مدارس کردستان «تشکیل شورای عالی معارف» در سال ۱۲۹۸/۱۹۱۹ به دستور شریف‌الدوله، حکمران وقت کردستان، تهیه شد. هدف اصلی این شورا «بسط و نشر معارف در کلیه خاک کردستان و نظارت در حسن جریان تعلیم عمومی و تشویق ارباب دانش و کارکنان معارف و مساعدت در اجرای تصمیمات و مقررات» وزارت معارف بود (ساکما، سند ۲۹۷/۵۷۱۲)، اما در عمل این شورا تأثیری در توسعه کمی و کیفی معارف این حدود نداشت و تنها مدرسه‌ای که از زمان شکل‌گیری شورا و البته بدون دخالت آن تا ۱۳۰۶/۱۹۲۷ تأسیس شد آموزشگاه مستوره بود. مریم اردلان این مدرسه را، که اولین مدرسه دخترانه کردستان بود، در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۳ تأسیس کرد و در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ به شاه‌دخت تغییر نام داد (سال‌نامه معارف کردستان ۱۳۱۶: ۲۶).

توسعه کمی مدارس کردستان از سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ آغاز شد و در دو ساله آغازین آهنگی شتابان داشت، به طوری که تعداد مدارس کردستان در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ به ۲۸

باب رسید. همه این مدارس ابتدایی بودند و ۲۵ باب پسرانه و یک باب دخترانه بود. مدرسه کلدانیان در سنندج و دو شعبه مدرسه آلیانس سنندج و بیجار هم مربوط به اقلیت‌های دینی بود (ساکما، سند ۲۹۷/۱۰۲۵۱، ۱۱). مجموع دانش‌آموزان کردستان در این سال به ۱۱۹۴ نفر افزایش یافت (همان: ۱۶). هم‌چنین، تنها مدرسه متوسطه کردستان در این سال پسرانه با ۲۳ دانش‌آموز بود (همان: ۱۸). از ۱۳۰۸/۱۹۲۹ تا سال ۱۳۱۰/۱۹۳۱ مدارس این حوزه از لحاظ کمی تغییری پیدا نکرد، اما به تعداد دانش‌آموزان افزوده شد. در مجموع، ۱۳۱۵ دانش‌آموز در این مدارس به تحصیل مشغول بودند که ۸۲۷ نفر از آن‌ها در مدارس سنندج و ۴۸۸ نفر در سایر مدارس استان تحصیل می‌کردند. از این تعداد، ۱۷۷ نفر دختر و ۱۱۳۸ نفر پسر بودند. مدرسه متوسطه شاه‌پور سنندج، تنها مدرسه متوسطه استان، پسرانه بود و پنجاه نفر دانش‌آموز داشت. کردستان در این زمان ۵۰۷ طلبه داشت که در ۲۴ مکتب‌خانه تحصیل می‌کردند (ساکما، سند ۲۹۷/۱۱۰۰۶، ۳).

در سال ۱۳۱۳/۱۹۳۴، مجموع مدارس کردستان به ۳۵ باب افزایش یافت. از این تعداد، هشت باب در شهر سنندج دایر بود. در مجموع، استان دارای ۱۸۳۷ دانش‌آموز بود که ۱۱۵۷ نفر از آن‌ها در مدارس سنندج به تحصیل مشغول بودند و سهم سایر شهرها، بخش‌ها، و روستاهای استان ۶۸۰ نفر بود (ساکما، سند ۲۹۷/۸۹۵۰، ۸). روند روبه‌رشد توسعه کمی مدارس و دانش‌آموزان در کردستان ادامه یافت (نمودار ۱)، به طوری که در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷/۱۹۳۷-۱۹۳۸ مدارس این استان به ۴۶ باب افزایش یافت. در کنار آن، تعداد دانش‌آموزان هم از گذشته رشد چشم‌گیری یافت، به طوری که در این سال دو باب دبستان به مدارس سنندج اضافه شد. تعداد دانش‌آموزان به ۱۴۸۶ نفر افزایش یافت. از این تعداد، ۱۱۴۲ نفر دانش‌آموز پسر و ۳۴۴ نفر دختر بودند. در همین سال، مدارس ابتدایی سایر نقاط استان به ۳۶ باب افزایش یافت. تعداد دانش‌آموزان ابتدایی سایر نقاط استان (شهرها، بخش‌ها، و روستاها) به ۱۳۵۷ نفر رسید (ساکما، سند ۲۹۷/۸۸۸، ۲۲). با وجود توسعه سریع و کمی مدارس نوین این حوزه، تناسب چندانی از جنبه توزیع و پراکندگی مدارس در سطح ایالت وجود نداشت. بررسی اسناد بیان‌گر تفاوت چشم‌گیر نحوه پراکندگی مدارس و دانش‌آموزان در مرکز ایالت، شهرها، قصبه‌ها، و روستاهاست (ساکما، سند ۲۹۷/۱۰۲۵۱، ۱۳).

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان از سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰ (مطلب مطلبی) ۲۹۷



نمودار ۱. نمودار توسعه کمی مدارس و دانش آموزان کردستان از ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۸

۵. محدودیت‌های توسعه مدارس نوین

با تصویب قانون شورای عالی معارف تمام امور اجرایی مدارس مانند برگزاری امتحانات، تهیه برنامه های درسی و آموزشی، و تشخیص صلاحیت علمی و اخلاقی معلمان به این شورا واگذار شد. به سفارش این شورا، مقرر شد با بررسی نظام آموزش و پرورش کشورهای اروپایی، الگویی برای نظام آموزشی کشور انتخاب شود. سرانجام، نظام آموزش مدارس فرانسه به عنوان الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شد. در سال ۱۳۰۵/۱۹۲۶، وزارت معارف بر آن شد تا تعلیمات اجباری عمومی را در سطح کشور اجرا کند (همراز ۱۳۷۶: ۴۴). لازمه این کار در درجه نخست ساخت و تأسیس مدارس در نقاط مختلف کشور بود. این امر با موانع چندی در کردستان مواجه بود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱.۵ تأمین بودجه

اولین مانع جدی این سیاست تأمین بودجه بود. برای رفع این مانع تلاش‌هایی صورت گرفت. در ابتدا، مجلس شورای ملی لایحه‌ای مبنی بر اختصاص نیم درصد از مالیات اراضی به مدارس ابتدایی تصویب کرد، اما این لایحه هم جواب‌گوی بودجه لازم برای توسعه مدارس نبود و موضوع «بودجه» یکی از موانع اصلی توسعه مدارس در دوره پهلوی باقی

ماند، هرچند نقش آن در دهه اول سلطنت رضاشاه پررنگ‌تر بود. معمولاً محدودیت بودجه اجازه توسعه مدارس بیش‌تر و نیز استخدام معلمان جدید را نمی‌داد، چراکه هم حقوق معلمان و هم هزینه ساخت و تعمیر مدارس و تهیه اثاثیه از بودجه تعیین‌شده معارف پرداخت می‌شد و بودجه تعیین‌شده هم به‌زحمت هزینه‌های موجود مدارس را تأمین می‌کرد (روزنامه کوشش ۱۳۱۰: ۳). بودجه تشکیلات معارفی غرب کشور در سال تحصیلی ۱۳۱۰/۱۹۳۱ به‌قرار جدول ۲ بود (روزنامه کوشش ۱۳۵۰: ۲).

جدول ۲. بودجه تشکیلات معارفی غرب در سال ۱۳۱۰

حوزه	مبلغ ماهیانه به قران
همدان	۲۰۵۲۰
کرمانشاه	۳۷۷۵۰
بروجرد	۹۶۳۰
کردستان	۱۹۸۰۰
تویسرکان	۲۲۳۰
خرم‌آباد	۲۸۴۰
بیجار	۲۳۰۰
ملایر	۵۱۹۰
نهایند	۲۴۶۰

در آغاز سلطنت رضاشاه، بودجه معارفی کردستان فقط به دو باب مدرسه اتحاد و احمدیه سندج اختصاص داشت و درواقع، بودجه دولتی معارف کردستان توان اداره بیش از دو مدرسه را نداشت، درحالی‌که در همین دوره دو مدرسه دولتی دیگر هم در کردستان دایر بودند، اما بودجه معارفی به آن‌ها تعلق نمی‌گرفت و درمقابل درخواست آن‌ها، اطلاع داده شد که هیچ‌گونه بودجه دولتی به مدرسه سقز تعلق نخواهد گرفت و می‌بایست از عواید محلی بودجه مدرسه تأمین شود (ساکما، سند ۲۹۷/۲۸۹۷۳، ۵). بودجه معارفی کردستان نه‌تنها توان توسعه کمی مدارس را نداشت، بلکه در اداره وضع موجود هم ناتوان بود (روزنامه کوشش ۱۳۴۳: ۲). از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶، توسعه مدارس نوین در کردستان به‌کندی پیش می‌رفت.

۲.۵ بی‌نظمی در دایر کردن مدارس

مانع دیگر توسعه مدارس، که ارتباط مستقیمی با بودجه داشت، بی‌نظمی در دایر کردن مدارس بود. مطلوب آن بود که در هر یک از روستاها و بخش‌ها مدارس تأسیس شود، اما محدودیت بودجه اجازه چنین کاری را نمی‌داد و توسعه مدارس نیازمند طی زمان بود. با وجود این، مدارس موجود هم اکثراً بدون مطالعه و بدون در نظر گرفتن شرایط محلی دایر شده بودند، در حالی که محدودیت بودجه معارف ایجاب می‌کرد که توسعه مدارس با مطالعه و شناخت انجام پذیرد، اما در عمل برنامه مشخصی برای این کار وجود نداشت. به عبارت دیگر، همین بودجه محدود هم «مطابق احتیاجات محلی تنظیم نشده بود». برای نمونه، مدارس دیوان‌دره و دهگلان، با صرف ماهیانه بیش از ۸۶ تومان بودجه معارفی کردستان، به ترتیب هفت و بیست نفر دانش‌آموز داشتند. این مقدار هزینه از بودجه محدود معارف برای این تعداد دانش‌آموز بسیار زیاد بود. به همین منظور، رئیس معارف پیش‌نهاد داد «بودجه دو باب مدرسه مزبوره را بر حسب احتیاجات محلی تنظیم و مازاد آن را برای یک باب مدرسه دو کلاسه جهت اورامان تخصیص» دهند (ساکما، سند ۲۹۷/۱۰۵۸۸، ۱). وزارت اوقاف با این درخواست موافقت کرد (همان). بی‌نظمی در دایر کردن و تأسیس مدارس در قصبات و روستاها نمود بیش‌تری داشت. همین امر سبب انتقادات و پیش‌نهادهایی برای انتقال مدارس به نواحی مستعدتر و پرجمعیت‌تر شد. در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹، یک مدرسه چهارکلاسه در روستای طاء دایر بود که در مجموع ۲۵ نفر دانش‌آموز داشت. پیش‌نهاد شد مدرسه مزبور دو کلاسه و به روستای بیساران منتقل شود. دیگر این که مدرسه چهارکلاسه باشماق هوباتو ده نفر و مدرسه خورخوره سیزده نفر دانش‌آموز داشت. کلاس چهارم هر دو مدرسه را منحل کردند و پیش‌نهاد شد مدرسه هوباتو به بلوک فیض‌الله بیگی انتقال یابد (ساکما، سند ۲۹۷/۲۳۰۸۹، ۱).

۳.۵ نبود معلمان کافی

یکی دیگر از موانع مهم توسعه کمی و کیفی مدارس کردستان در این برهه نبود معلم بود. با وجود محدودیت بودجه و بی‌نظمی در دایر کردن مدارس، برخی از مالکان، بزرگان، و حتی سران عشایر اعلام آمادگی کردند که در قبال تأسیس مدارس در حوزه آن‌ها یک‌سری از هزینه‌ها را تقبل کنند (روزنامه کوشش ۱۳۰۷ الف: ۱). از آن‌جا که نبود معلمان متخصص از دیگر موانع توسعه مدارس در این حوزه بود، چنین درخواست‌هایی به نتیجه نمی‌رسید.

تأسیس و دایرکردن مدرسه در نواحی غیرشهری سخت‌تر و با محدودیت‌های بیش‌تری دست‌به‌گریبان بود؛ از مهم‌ترین آن‌ها تأمین بخشی از هزینه‌ی این مدارس از جانب مردم محل بود. اگر این هزینه بنابه هر علت تأمین نمی‌شد یا استمرار نمی‌یافت، به بسته‌شدن دبستان می‌انجامید. برای نمونه، در سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۱۵ / ۱۹۳۵-۱۹۳۶ در روستای رستمان بخش خورخوره دبستانی تأسیس شد، اما از آن‌جاکه مخارج این دبستان تأمین نشد، در سال ۱۳۱۶ / ۱۹۳۷ این مدرسه تعطیل شد (ساکما، سند ۹۱/۲۸۰/۶۳۴).

در نواحی ایلی و عشیره‌ای هم عوامل زیر از محدودیت‌های موانع توسعه‌ی مدارس بودند:

الف. نظامی‌بودن منطقه به‌ویژه در دهه‌ی اول سلطنت رضاشاه؛

ب. اجاره‌ای‌بودن ساختمان مدارس که فاقد هرگونه ساختار مدرسه بود.

۶. مدارس قصبات و نواحی روستایی

تا قبل از تأسیس سلسله‌ی پهلوی، مدارس کردستان منحصر به مدارس شهر سنندج، یک مدرسه در سقز، و دو مدرسه در بیجار بود. در سایر قصبات و نواحی روستایی کردستان هیچ مدرسه‌ی نوینی دایر نبود. بنابر اسناد و احصایه‌های موجود از سال ۱۳۰۱ / ۱۹۲۲ و پس از تأسیس مدرسه‌ی احمدیه‌ی سقز تا سال ۱۳۰۶ / ۱۹۲۷، مدرسه‌ی جدیدی در کردستان دایر نشد. در دوره‌ی رضاشاه، تلاش‌ها برای توسعه‌ی مدارس نوین در این مناطق شروع شد و برای اولین بار در این دوره است که قصبه‌های کوچک و نواحی روستایی دارای مدارسی به‌سبک نوین شدند. آغاز این روند در کردستان سال ۱۳۰۶ / ۱۹۲۷ است. در این سال، دبستان فرخی مریوان، دبستان حافظ قروه، دبستان انوری روستای رمشت (Ramesht) (ساکما، سند ۲۹۷/۰۱۲۷۲۱)، و دبستان سراب قبحط (Sarab qabaht) (ساکما، سند ۲۹۷/۱۱۰۰۶) تأسیس شدند. در سال ۱۳۰۷ / ۱۹۲۸، دبستان رودکی رزاو و دبستان رونق جوانرود دایر شدند (ساکما، سند ۲۹۷/۰۱۲۷۲۱، ۲). این روند به‌تدریج ادامه یافت. به‌علت موقعیت مهم و سرحدی پاوه، پیش‌نهاد شد از آغاز سال تحصیلی ۱۳۰۹ / ۱۹۳۰ یک باب مدرسه‌ی دوکلاسه در آن‌جا تأسیس شود (ساکما، سند ۲۹۷/۲۳۰۸۹، ۱۷). سال ۱۳۰۹ / ۱۹۳۰ دبستان دقیقی بیساران (Besaran)، در سال ۱۳۱۱ / ۱۹۳۲ دبستان غزالی، دبستان دزلی، دبستان رازی صلوات‌آباد، و در سال ۱۳۱۴ / ۱۹۳۵ دبستان عنصری دزج (Dezej)، و در سال ۱۳۱۵ /

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان از سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰ (مطلب مطلبی) ۳۰۱

۱۹۳۶ دبستان الفت نودشه (Nowdeshah) و خرم هانه گرمه دایر شدند (ساکما، سند ۲۹۷/۰۱۲۷۲۱، ۱۱).

باوجود گسترش کمی مدارس در قصبات و نواحی روستایی، این مدارس از لحاظ کیفی در سطح مطلوبی نبودند و این نقص به‌ویژه در نواحی روستایی نمود بیش‌تری داشت.

در درجه اول، آنچه از دبستان‌های قصبات و نواحی روستایی به‌نظر می‌رسید شکل ظاهری آن‌ها بود. اتاق‌هایی که برای مدارس تعبیه شده بودند تاریک، مرطوب، و غیربهداشتی بودند (ساکما، سند ۲۹۷/۱۶۹۱، ۹). در نواحی شهری هم با این‌که در برخی موارد عمارت‌های بزرگی برای مدارس اختصاص داده بودند، مناسب مدرسه نبودند و تلاش‌هایی برای ایجاد ساختمان‌های جدید در جریان بود (روزنامه کوشش ۱۳۰۶: ۱). سه مدرسه یک‌کلاسه در روستاهای گروس دایر بود که تعداد دانش‌آموزان آن‌ها بین هشت تا پانزده نفر بود. مشکل عمده دیگری که مدارس روستایی با آن دست‌به‌گریبان بودند این بود که در فصل تابستان و در مواقع برداشت محصول، اولیا بچه‌های خود را از مدرسه خارج می‌کردند و مدیران نیز تا این زمان نتوانسته بودند از خروج دانش‌آموزان جلوگیری کنند (روزنامه کوشش ۱۳۰۹: ۲).

سن دانش‌آموزان در مدارس روستایی از دیگر مشکلات این مدارس بود. از جنبه قانونی سن پذیرش دانش‌آموزان محدودیت داشت. با گسترش و توسعه مدارس در روستاها و قصبه‌ها برای پذیرش دانش‌آموزان از لحاظ سنی مشکلاتی پیش آمد. به‌منظور رفع این مشکل، شورای عالی معارف در سیزده آبان سال ۱۳۱۴/۱۹۳۵ بخش‌نامه‌ای به ادارات معارف صادر کرد و در آن، تسهیلاتی برای نواحی روستایی قائل شد:

[در] دبستان‌های قراء و قصبات دوردست که دیرتر... به تأسیس دبستان اقدام شده است، مدیران مدارس حداقل سن پذیرش دانش‌آموزان را هفت و حداکثر هجده سال را در نظر بگیرند و با رعایت تفاوت سن، آن‌ها را در کلاس‌های مختلف بپذیرند، ولی مسئولیت دارند که شاگردان با سن‌های مختلف را در یک کلاس جای ندهند (روزنامه کوشش ۱۳۱۴: ۱).

باوجود تلاش‌هایی که صورت گرفت، در دوره پهلوی اول ساختمان مدارس قصبات و به‌ویژه روستاها بهبودی نیافت. مدارس روستاها و قصبات کردستان در این دوره به‌جز دو مورد همه اجاره‌ای بودند. در این میان، فقط ساختمان مدارس روستاهای هانه‌گرمه و

۳۰۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

دبستان غزالی نوسود وقفی بود (ساکما، سند ۱۲۷۲۱/۰۲۹۷، ۲۴). دبستان‌های قصبات کوچک و روستاها دو تا چهارکلاسه با تعداد محدود دانش‌آموز بود. با این‌که رسماً این مدارس پسرانه بودند، اما در احصایه‌های موجود مشخص می‌شود که در برخی از آن‌ها، دختران هم پذیرش شده‌اند. وضع کمی و کیفی مدارس و نیز ترکیب جنسیتی دانش‌آموزان در قصبات با نواحی روستایی چندان متفاوت نبود. این آمار برای سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷/۱۹۳۷-۱۹۳۸ کردستان به شرح جدول ۳ و ۴ است (ساکما، سند ۱۲۷۲۱/۰۲۹۷؛ ۹۱/۲۹۷/۱۰۹۵؛ ۲۹۷/۱۱۰۰۶؛ ۹۱/۲۹۷/۸۸۸).

جدول ۳. آمار مدارس قصبات کردستان در سال تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۳

نام مدرسه	محل	تعداد کلاس	پسر	دختر	جمع
فرخی	مریوان	۶	۳۷	۵	۴۲
حافظ	قروه	۵	۴۹	۵	۵۴
رونق	جوانرود	۴	۲۲	۴	۲۶
فردوسی	دیوان‌دره	۴	۳۱	۱۱	۴۲
حکمت	سقز	-	۴	۷۱	۷۵
؟	سقز	-	۱۴	۶۲	۷۶
پهلوی	بانه	-	۱۸۳	-	۱۸۳
فارابی	بانه		۱۵	۲۷	۴۲
منوچهری	سردشت		۸۷	۱۴	۱۰۱
سعدی	پاوه		۱۰۸	-	۱۰۸

جدول ۴. آمار دانش‌آموزان نواحی روستایی کردستان در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷

نام مدرسه	محل	تعداد کلاس	پسر	دختر	جمع
انوری	رمشت	۴	۱۱	-	۱۱
رودکی	رزاب	۴	۲۳	۵	۲۸
دقیقی	بیساران	۴	۳۵	۱	۳۶
غزالی	نوسود	۵	۴۱	۳	۴۴
مولوی	دزلی	۴	۲۸	-	۲۸
رازی	صلوات آباد	۴	۲۴	-	۲۴
عنصری	دزج	۴	۱۹	-	۱۹
الفت	نودشه	۴	۸۴	-	۸۴

فرایند تحول و توسعه مدارس نوین کردستان از سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰ (مطلب مطلبی) ۳۰۳

نام مدرسه	محل	تعداد کلاس	پسر	دختر	جمع
خیام	روانسر	۳	۳۸	۳	۴۱
خرم	هانه گرمله	۳	۴۸	-	۴۸
؟	سراب قحط	۳	۱۹	-	۱۹
جامی	مرخوز	-	۱۶	۱	۱۷
نظامی	نوبهار	-	۱۵	-	۱۵
سنایی	اویاتو	-	۷	-	۷
ناصر خسرو	حسین آباد	-	۲۰	-	۲۰
خاقانی	سروش آباد	-	۶۴	-	۶۴

۷. نتیجه گیری

نتایج حاصل از پژوهش بیان گر این هاست:

- قبل از ظهور پهلوی، بسترهای فکری، مالی، و... تأسیس مدارس نوین در قصبات کردستان فراهم نبود و محدود اقدامات صورت گرفته در این زمینه منحصر به سنندج، مرکز ایالت، بود. در چنین شرایطی، اهتمامی جدی از سوی حاکمان و نیز اشخاص بومی برای دایر کردن مدارس نوین صورت نگرفت.
- کردها و کردستان جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دولت مردان پهلوی یافتند. در واقع، یکی از راه‌های هم‌گرایی کردها با دولت مرکزی توسعه مدارس نوین تشخیص داده شد. به همین منظور، مدارس این حدود توسعه چشم‌گیری یافتند، تاجایی که بنابر آمار و احصایه‌های موجود، آمار کمی دانش‌آموزان و مدارس این حوزه از میانگین کشوری عبور کرد.
- با ترویج و توسعه مدارس نوین عرصه بر مکاتب قدیم تنگ‌تر شد. به بیان دیگر، مدارس نوین و مکاتب قدیم رابطه‌ای خلاف هم داشتند. هرچه بر تعداد مدارس نوین افزوده می‌شد، تعداد مکاتب قدیم کاهش می‌یافت. در مناطقی که مدارس نوین دایر نشده بود یا مدارس نوین جواب‌گوی متقاضیان نبود، مکاتب رونق خویش را حفظ کرده بودند.
- استقبال از مدارس نوین یا مقاومت در برابر آن‌ها در نواحی شهری، قصبات، و نواحی روستایی متفاوت بود، اما در کل مخالفت سازمان‌یافته‌ای با توسعه مدارس نوین نشد.

پی‌نوشت

۱. کردستان قبل از دوران سلطنت رضاشاه بلوک‌های اسفندآباد، سقز، بانه، مریوان، هورامان تخت، هورامان لهن، مریوان، جوانرود، کلاترزان، کره‌وز، زاوورد و حسن‌آباد، گاورود، پالنگان، بيله‌وار، کرفتو، حسین‌آباد، خورخوره، سارال، هویاتو، و قراتوره را داشت (ساکما، سند ۲۹۰/۳۳۲، ۸). در سال ۱۳۱۲، سردشت از ایالت آذربایجان منتزع و ضمیمه کردستان شد (ساکما، سند ۲۹۷/۲۸۵۹۱، ۱). هم‌چنین، در سال ۱۳۱۶ و در نتیجه قانون تقسیمات کشوری، کردستان به‌همراه کرمانشاهان، ایلام، شاه‌آباد، همدان، و ملایر از استان پنجم شدند (روزنامه‌کوشش ۱۳۲۰: ۱). به‌جز این، کردستان از لحاظ اداری - سیاسی در دوره پهلوی اول بدون تغییر ماند. در دوره پهلوی دوم، بار دیگر سردشت ضمیمه آذربایجان شد و جوانرود و اورامانات از کردستان جدا و ضمیمه کرمانشاه شدند. بنابراین، حدود جغرافیایی ایالت کردستان (کردستان اردلان) از دوره قاجار، صرف‌نظر از تغییرات ذکرشده، با حدود جغرافیایی کنونی منطبق است.

کتاب‌نامه

- ایوانف، م. س. (۱۳۵۷)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه آذر تبریزی، تهران: شب‌گیر.
- تیمورزاده، مصطفی (۱۳۸۰)، *وحشت در سقز، به‌کوشش شهباز محسنی*، تهران: شیرازه.
- روزنامه‌کوشش (۱۳۰۶)، ش ۴۲؛ (۱۳۰۷ الف)، ش ۱۴۳؛ (۱۳۰۷ ب)، ش ۲۲۰؛ (۱۳۰۹)، ش ۸۶؛ (۱۳۱۰)، ش ۲۱۹؛ (۱۳۱۴)، ش ۲۷۴؛ (۱۳۱۶)، ش ۷۰؛ (۱۳۲۰)، ش ۴۶۷۶؛ روزنامه‌کوشش (۱۳۴۷)، ش ۲۳۸؛ (۱۳۵۰)، ش ۲۳۵؛ روزنامه‌کوشش (۱۳۴۳)، ش ۲۴.
- زهیری، علی‌رضا (۱۳۷۹)، *عصر پهلوی به‌روایت اسناد*، قم: معارف.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، سند ۹۱/۲۹۷/۸۸۸، ۹۱/۲۹۷/۸۹۵۰، ۹۱/۲۹۷/۵۷۱۲، ۲۹۷/۱۰۲۵۱، ۲۹۷/۱۰۵۸۸، ۲۹۷/۱۱۰۰۶، ۲۹۷/۲۷۵۱۴، ۲۹۷/۲۸۹۷۳، ۲۹۷/۳۷۴۴۳، ۲۸۰/۶۳۴، ۲۹۷/۱۵۱۰۲، ۲۴۰/۱۶۹۱، ۲۹۷/۱۱۰۰۶، ۲۹۷/۱۰۲۷۲۱، ۲۹۷/۲۳۰۸۹، ۲۹۷/۲۴۴۷۹، ۲۹۷/۲۸۵۹۱، ۲۹۰/۳۳۲، ۹۱/۲۹۷/۱۰۹۵، ۲۹۷/۲۸۹۷۳، ۲۹۷/۲۷۵۱۴.
- سال‌نامه معارف کردستان (۱۳۱۶)، تهران: بی‌نا.
- نووری محه‌مدی (۲۰۰۶)، *شه‌ویک و خه‌ویک بستووی ژریان*، پیداچوونه وه و ناماده کردنی سلاح‌الدین داشتی، سلیمانی، بنکه‌ژین.
- همراز، ویدا (۱۳۷۶)، «نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه»، *مجله تاریخ معاصر ایران*، س ۱، ش ۱.